

لایبی اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا

جان میرشایمر، استفن والت
نوام چامسکی، مایکل مسینگ، خ. پارسا

حسن مرتضوی، فیروزہ مہاجر، کاوہ بویری



مفتخر الکا

عنوان و نام پدیدآور: لابی اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا/ جان میرشایمر... او دیگران! مترجمان حسن مرتضوی، فیروزه مهاجر، کاوه بویری.
مشخصات نشر: تهران: الکا، ۱۳۹۱.
شابک: 978-964-2822-13-3

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: جان میرشایمر، استفن والت، نوام چامسکی، مایکل مسینگ، خ. پارسا.
موضوع: اعمال نفوذ سیاسی -- ایالات متحده -- مقاله‌ها و خطابه‌ها --
صهیونیست‌ها -- فعالیت‌های سیاسی -- روابط خارجی -- اسرائیل: اسرائیل --
روابط خارجی -- ایالات متحده
شناسه افزوده: میرشایمر، جان ج.، ۱۹۴۷ - م. J. Mearsheimer
شناسه افزوده: مرتضوی، حسن، ۱۳۴۰ - مترجم - مهاجر، فیروزه، ۱۳۲۶ -
مترجم - بویری، کاوه، ۱۳۵۱ - مترجم
رده‌بندی کنگره: JK۱۱۱/۲ ۱۳۹۱
رده‌بندی دی‌ئی: ۹۷۳/۴۳۲۴
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۲۷۵۷۳۷۲



نشر الکا

لابی اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا
نویسنده‌گان: جان میرشایمر، استفن والت، نوام چامسکی، مایکل مسینگ، خ. پارسا
مترجمان: حسن مرتضوی، فیروزه مهاجر، کاوه بویری

چاپ دوم (چاپ اول الکا): ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰

طرح جلد: بازتاب گرافیک

چاپ و صحافی: جهان کتاب

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

حق چاپ و نشر محفوظ

ستارخان - دریا نو - خیابان یکم - کوچه‌ی غلامی - پلاک ۷ - طبقه‌ی اول

تلفن: ۶۶۵-۶۹۲۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۲۲-۱۳-۳

Olka.pub@gmail.com

۷	یادداشت
۱۳	لایه اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا جان ج. میرشایمر - استفن م. والت (حسن منقوی)
۱۱۷	لایه اسرائیل؟ نوام چامسکی (کاوه بوری)
۱۲۵	لایه اسرائیل دستخوش توفان مایکل مَسینگ (فیروزه مهاجر)
۱۶۱	لایه اسرائیل جان ج. میرشایمر - استفن م. والت (فیروزه مهاجر)
۱۷۱	لایه یا مکانیسم خ. پارسا

یادداشت

لندن ریویو آف بوکس (بررسی کتاب لندن) مجله‌یی است که ماهانه در لندن منتشر می‌شود و چنان که از نامش پیداست، به نقد کتاب‌های منتشرشده یا بررسی آثار نویسنده‌یی خاص می‌پردازد. مقالات موضوعی و مسائل روز کم‌تر در آن مجال بروز پیدا می‌کنند. گرایش عمومی مجله، تا اندازه‌یی متمایل به چپ است؛ آن هم به معنایی که در انگلیس از آن مراد می‌شود. این مجله در شماره‌ی بیست‌وسوم مارس ۱۹۸۶ خود مقاله‌یی منتشر کرد که پیش از انتشار معلوم بود که برانگیزنده‌ی توفانی از نظرات متفاوت و ضدونقیض باشد. عنوان مقاله «لایبی اسرائیل» بود. نویسنده‌ی مقاله، جان میرشایمر و استفن والت از اساتید باسابقه‌ی علوم سیاسی‌اند و به نحله‌یی از تفکر سیاسی در آمریکا تعلق دارند که اصطلاحاً «واقع‌گرا» نامیده می‌شود و آن چه در محاسباتشان به حساب می‌آید مسائلی چون منافع ملی و توان قوای میان دولت‌ها و غیره است و مقولاتی چون حقوق بشر و رعایت حقوق اقلیت‌ها و هكذا اگر ملحوظ شود در درجه‌ی دوم اهمیت است.

جان میرشایمر، ۵۸ ساله استاد دانشگاه شیکاگو است. جوانی را در ارتش گذرانده و دانش‌آموخته‌ی دانشگاه نظامی وست یونیت است. ولی از آغاز هم چندان به تفنگ و چادر و صحرا دل بسته نبوده است.

استفن والت، ۵۰ ساله، استاد دانشگاه هاروارد و وابسته به دانشکده‌ی امور دولتی (government) کیندی در این دانشگاه است.

مقاله‌ی مورد اشاره صورت کوتاه‌شده‌ی یک کار جاری پژوهشی است که

مدتی پیش از انتشار در *لاندن ریویو آو بوکز*، با تفصیل بیش‌تر و منابع و مراجع کار در وبسایت دانشکنده‌ی کندی منتشر شده و در نتیجه حرف و حدیث آن، دست کم در میان اهل حرفه به میان آمده بود. نگارش مقاله، به صورت کنونی، نخست چندسال پیش از سوی مجله‌ی آمریکایی *آتلانتیک مانتلی* به نویسندگان سفارش داده شد. ولی در نهایت، پس از بازنگری‌هایی که مجله خواسته بود، از سوی ویراستاران مجله رد شد. نویسندگان در پی یافتن نشریه‌پی برآمدند که در آمریکا آن را به چاپ رسانند. اما پس از مدتی به این نتیجه رسیدند که چاپ آن در مجلات معتبر و جریان اصلی در آمریکا میسر نیست و سرانجام آن را در *لاندن ریویو آو بوکز* منتشر کردند.

نکته‌ی مهم مقاله، در خطوط اصلی، چیزی نیست که تاکنون از دید ناظران گوناگون پنهان مانده و کسی در باره‌ی آن بحث نکرده باشد، میرشایمر و والت می‌گویند که: هسته‌ی مرکزی و محور سیاست ایالات متحد آمریکا در خاورمیانه حمایت بی‌چون و چرا، و به لحاظ مالی بی‌دریغ، از اسرائیل بوده است و این سیاست، به‌ویژه از پایان دوران جنگ سرد به بعد، به هیچ‌وجه در جهت منافع ملی ایالات متحد آمریکا نبوده است. اما میرشایمر و والت این بحث را با آوردن دلایل و اسناد فراوان و آشکار کردن شیوه‌های عمل نیروهای هوادار اسرائیل در آمریکا، مستدل می‌کنند. نکته‌ی جالب توجه این است که مؤلفان از محافل حاشیه‌یی مخالفان سیاست‌های بین‌المللی ایالات متحد می‌یستند، بلکه به قول نرمن فینکل‌اشتاین: اهمیت مقاله به عنوان نوعی مداخله‌ی سیاسی در این است که نویسندگان کاملاً در بستر جریان اصلی آکادمیای سیاسی قرار دارند... و مقاله به دلیل آشفتگی و فروپاشی ناشی از جنگ و اشغال عراق است که گوش‌های شنوایی پیدا کرده است.

پاسخ‌های اولیه‌ی رسانه‌های عمومی و مدافعان سیاست‌های موجود با

خشم و دشنام همراه بود. هواداران اسرائیل و همراهان آن‌ها نویسنده‌گان مقاله را نتوانازی خواندند. ماکس پوت عضو ارشد شورای روابط خارجی، پیش از انتشار مقاله در *لاندن ریویو آو بوکز*، نوشته‌یی در *لوس آنجلس تایمز* و *فیلادلفیا انکوییرر* چاپ کرد و کار جاری پژوهش محققان (روی وب‌سایت دانشکده‌ی کندی) را محکوم کرد، آن را احمقانه خواند و مؤلفان را یهودی‌سبیز (Anti-semitic) شمرد. پس از انتشار مقاله، یکی از اساتید دانشگاه جان هاپکینز در *واشنگتن پست* مقاله‌یی با عنوان «بله، یهودی‌ستیزانه است!» نوشت و کار مؤلفان را کاری ضدیهودی و از نظر علمی سرهم‌بندی به شمار آورد. اتحادیه‌ی ضدیی‌حرمتی (Anti-Defamation League) آن را «تحلیلی یهودی‌ستیزانه که شایعات قدرت و نظارت یهودیان را دامن می‌زند» خواند. آلن درشوویتز، استاد حقوق دانشگاه ماروارد، که با نقل گفته‌هایش در مقاله‌های این مجموعه آشنا خواهید شد، نوشت که مؤلفان با این مقاله «شهرت حرفه‌یی خود را بر باد دادند». وقتی هیاهوی اولیه اندکی فروکش کرد رسانه‌های معتبرتر بستر اصلی سیاست آمریکا مانند *نیویورک تایمز*، که ابتدا چندان توجهی به این مقاله نکرده بودند، مقاله‌های معقول‌تری منتشر کردند. نوشته‌یی که تونی جوت، تاریخ‌نگار و نویسنده، در این روزنامه انتشار داد به نکته‌های مثبت کار میرشایمر و والت اشاره کرد. او نوشت که «جریان اصلی مطبوعات آمریکا، از هراس و ترس برچسب خوردن، نکته‌های مهمی را که مقاله مطرح کرده بود نفهمیدند و به آن‌ها بی‌اعتنا ماندند».

واکنش راست افراطی و گرایش‌های ضدیهود، که به مواردی از آن در مقاله‌های این مجموعه اشاره شده، دست کم در رسانه‌های معتبرتر، چندان گسترده نبوده است. شاید ماهیت پژوهشی کار مجال چندان برای فرصت‌طلبان فراهم نمی‌آورده است اما همین واکنش‌های اندک نیز هواداران لابی را برانگیخت که برای بی‌اعتبار کردن مؤلفان از آن‌ها بهره بگیرند.

سرانجام پاسخ طیف‌های لیبرال و چپ نیز به مقاله‌ی میرشایمر و والت، فارغ از خرده‌گیری نبود. برخی آن را آمیخته‌یی به شمار آوردند که میان «یهودی‌های لیکودپرتر» و «یهودیان طرفدار دموکرات‌های کنگره‌ی آمریکا» تمیزی قائل نمی‌شود. نوام چامسکی ایراد گرفت که نویسنده‌گان مقاله نیروهای ساختاری اقتصاد آمریکا و قدرت بنگاه‌های عظیم انرژی و نفت را در شکل‌گیری سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه نادیده گرفته‌اند (به مقاله‌ی چامسکی در این مجموعه نگاه کنید). نرمن فینکل‌اشتاین، استاد دانشگاه دویپول در شیکاگو از انتشار مقاله استقبال کرد ولی یادآور شد که اگرچه لابی هوادار اسرائیل ممکن است بتواند مباحثات عمومی و حتی کنگره‌ی آمریکا را در این زمینه کنترل کند ولی در حوزه‌ی «ظرف‌های خبره»یی که سیاست آمریکا را در خاورمیانه جهت می‌دهند، تصمیم‌گیرنده نیست.

مقاله‌ی «لابی اسرائیل» با بحث و مقاله‌نویسی‌های حاصل از آن، مقاله‌یی بسیار مؤثر بوده است. به نظر می‌رسد که گام اول را در شکستن تابوی «طرح وجوه گوناگون روابط اسرائیل - آمریکا» دست کم در برخی محافل روشن‌فکری شکسته است. این که کاستی‌های این مقاله در چیست یا در چه مواردی نادقیق است و یا چه مسائلی در آن نادیده گرفته شده است، مطلب دیگری است که پژوهش‌های دیگری را می‌طلبد و البته تابع دیدگاه‌های پژوهش‌گران خواهد بود.

در این مجموعه علاوه بر مقاله میرشایمر و والت (صورت کامل آن در وبسایت دانشکده‌ی کندی)، مقالات دیگری هم آمده است: مایکل مسینگ بازتاب آن را در رسانه‌ها بررسی می‌کند و برخی نکاتی را که به نظر او مؤلفان به خطا رفته‌اند باز می‌نماید. به علاوه بر نکته‌های اصلی و درست مقاله تأکید می‌کند. مقاله‌ی مسینگ در شماره‌ی ۸ ژوئن ۲۰۰۶ مجله‌ی نیویورک ریویو / آوبوکرز به چاپ رسید. نوام چامسکی در نوشته‌یی در تارنمای زد نت (Z. Net)

در ۲۸ مارس ۲۰۰۶، خلاصه‌یی از نظرهای خود را درباره‌ی مقاله «لایبی اسرائیل» می‌شکافد و بر این نکته ایراد می‌گیرد که شیوه‌ی ارائه‌ی نویسندگان به نحوی خطاهای دولت ایالات متحده را برمی‌شمرد ولی در نهایت آن را از اتهام مبرا می‌کند. میرشایمر و والت در نوشته‌ی کوتاه دیگری که در ۱۱ مه ۲۰۰۶ در لندن ری‌ویو/آو بوکرز چاپ شد، به منتقدان خود پاسخ می‌گویند و در پایان خ. پارسا از دیدگاهی عام به مسئله‌ی اسرائیل و آمریکا و غرب می‌نگرد.



و چنان که انتظار می‌رود نویسندگان مقاله‌ی اصلی کتاب نه از موضع مردم فلسطین، که از موضع یهودیان منتقد اسرائیل، به بررسی سیاست خارجی آمریکا می‌پردازند و همین امر اهمیت نوشته‌ی آنان را دو چندان می‌کند. توفان خشم طرفداران اسرائیل و دست‌اندرکاران سیاست خارجی آمریکا در پی انتشار این مقاله و تلاش اولیه‌ی ایشان برای جلوگیری از انتشار آن در منابع معتبر آمریکایی بی‌سبب نبوده است. درک این اهمیت درایت چندانی نمی‌خواهد اما نگاه تیزبین ناهم‌خوانی مواضع نویسندگان با منافع راستین مردم فلسطین را تشخیص خواهد داد، به‌ویژه آن‌جا که به بهانه‌ی پیشینه‌ی یهودی‌ستیزی در اروپا موضوع موجودیت و حقانیت رژیم اسرائیل و نحوه‌ی شکل‌گیری آن در میان است و کم‌تر کسی از چنین نویسندگانی انتظاری بیش از این خواهد داشت و آن کم‌تر کسان را همین چند سطر بس.